

فرهنگ ادبیات و هنر

ضمایر [آنها]

دوستان قدیمی روی صحنه

محمدزاده و افشاری در نمایشی از همایون غنی‌زاده همبازی می‌شوند

آدم‌ها دو دسته هستند؛ دسته اول، دسته دوم و نمایش «دالوس و ایکاروس» که درباره آدم‌های این دو دسته است، یک بار دیگر به صحنه می‌رود. این نمایش که همایون غنی‌زاده آن را نوشته و کارگردانی می‌کند، یک بار دیگر، تقریباً ۱۵ سال پیش به صحنه رفته بود. این بار بهرام افشاری و نوید محمدزاده در آن ایفای نقش خواهند کرد. **آنها** که سال‌ها در تئاتر فعالیت کرده، یک بار دیگر فرصت پیدا کرده‌اند در کنار هم یک از موفق‌ترین نمایش‌های نیمه‌دوم دهه ۸۰ را دوباره اجرا کنند. محمدزاده و افشاری که تقریباً به صورت همزمان وارد دنیای بازیگری شدند و فعالیت حرفه‌ای خود را در تئاتر آغاز کرده‌اند هر دو کارنامه موثق دارند و به‌خصوص در تئاتر بارها درخشیده‌اند. آنها در مدت فعالیت‌شان در تئاتر، این فرصت را هم پیدا کرده بودند که روبه‌روی هم و در نمایش‌های مشترک حضور پیدا کنند. به‌عنوان نمونه هردو در نمایش «دیاپولیک رومنو و ژولیت» به‌کارگردانی آتیلا پسیانی و «مرد بالشی» به‌کارگردانی علی سرابی همبازی بوده‌اند. همایون غنی‌زاده و بهرام افشاری نیز پیش از این در نمایش «می‌سی‌سی‌پی نشسته می‌میرد» به‌کارگردانی غنی‌زاده با هم همکاری کرده‌اند. این سه نفر، از دنیای تئاتر به سینما هم راه پیدا کرده و آنجا نیز موفق بوده‌اند. حالا این دوستان قدیمی دور هم جمع شده‌اند و قرار است «دالوس و ایکاروس» را برای تابستان سال جاری و دوره ازسریگری فعالیت‌های تئاتری آماده کنند. مهرتوضیح داده که نمایش «دالوس و ایکاروس» بارها روی صحنه‌های تئاتر تهران اجرا شده و در جشنواره معتبر «باربینک» لندن و همچنین کشور آلمان نیز روی صحنه رفته و مورد استقبال قرار گرفته است. جالب است بدانید که یک‌گروه تئاتر انگلیسی از این اثرکپی کرده و آن را در انگلستان به صحنه برده بودند اما با اقدام قانونی گروه ایرانی، اجرای آن متوقف شد. غنی‌زاده قصد داشت در بهار سال جاری نمایش «کالیگولا» را در تالار وحدت روی صحنه ببرد که به دلیل تعطیلی‌های پیش آمده کرونایی، این نمایش به صحنه نرفت.



اجرای دوباره (... و همیشه پاییز)

نمایش (... و همیشه پاییز) نوشته و کارگردانی مهیار جوادپها از ششم تیر در تالار مولوی به صحنه می‌رود. مهر نوشته، نمایش (... و همیشه پاییز» که از تاریخ ۲۳ بهمن سال گذشته در سالن اصلی مرکز تئاتر مولوی روی صحنه رفته بود و بعد از ۹ شب اجرا به دلیل شیوع بیماری کرونا و با تعطیلی مراکز فرهنگی و هنری از ادامه اجراهای خود بازماند، اکنون بعد از چهار ماه تعطیلی از ساعت ۱۸ ششم تیرماه روی صحنه این تالار خواهد رفت.

۸۰۰ هزار شرکت‌کننده در یک مسابقه کتابخوانی

معاون توسعه نهاد کتابخانه‌های عمومی کشور گفت: تنها بخشی از جشنواره رضوی که امسال مجوز برگزاری گرفت، جشنواره کتاب آن بود که تاکنون بیش از ۸۰۰ هزار نفر در این مسابقه شرکت کردند. وی افزود: تمام بخش‌های این جشنواره به دستور وزیر ارشاد متوقف شد و فقط بخش کتابخوانی آن مجوز برگزاری گرفت. این جشنواره تا انتهای تیرماه در فضای مجازی و سامانه سماک نهاد کتابخانه‌ها برگزار می‌شود. تاکنون بیش از ۸۰۰ هزار نفر در این جشنواره کتابخوانی شرکت کردند و امیدواریم این رقم بیشتر نیز شود.



من از گاوی که لگد می‌زند، می‌ترسم

«من از گاوی که لگد می‌زند می‌ترسم» عنوان جدیدترین اثر داستانی حامد اشتری است. این مجموعه داستان به‌تازگی توسط انتشارات شهید کاظمی منتشر شده و به‌زودی به بازار نشر عرضه خواهد شد. داستان‌های این کتاب در قالبی دراماتیک هویت انسان ایرانی را مورد ژرف‌نگری قرار می‌دهد. آدم‌های این مجموعه داستان گاهی می‌دوند، گاهی کار می‌کنند و عرق می‌ریزند، گاهی در راه آرمان خود لگد می‌خورند و گاه می‌میرند. عده‌ای در دنیای این کتاب خود را گم کرده‌اند و دیگریانی هم به دنبال اصل خود می‌گردند.

مصائب شیرین

دختر داشتن



می‌خندی از همان خنده‌های بادهان بسته که یک یاف هوا از بین‌ات بیرون می‌دهی و بعد سریع نفس می‌کشی که نفس کم نپاوری... حالا تو پدری ... با یک عالمه برنامه برای آینده‌اش و یک عالمه محدودیت که مطمئنی نمی‌گذارد به آرزوهایش برسد.

اولین بار که می‌گویی بابا... اولین بار که توک دندان‌های شیریش را می‌خورد به سر قاشق چایخوری وقت سراک خوردن... اولین گل صورتی که چهارتا شوید موهایش را می‌گیرد و تو دلت ضعف می‌رود.

اولین بار که با یک پوشک کپل تاتی تاتی می‌کند و نقش‌های عروسکی‌اش فیک فیک می‌کند و... و توی پدر باید برای همه اینها بغض کنی و چانه‌ات بلرزد و حتی همسرت هم نفهمد... تو عاقله مرد می‌شوی و دخترت می‌بالد و رشد می‌کند و تو هی‌خودت را سرکوفت می‌زنی که نکند کم گذاشته باشی.

نکند این تمام پدر بودن نباشد. نکند تو بابای خوبی نباشی و هزار تا نکند دیگر... پدر که باشی باید با همه چای و قهوه‌های ریخته شده در فنجان‌های خالی پلاستیکی خستگی ات را در کنی و همیشه برای برس‌کشیدن موهایش وقت بگذاری و فرق لاک‌های کالیاسی و پوست پیازی و یاسی و صورتی چرک را بدانی... پدر که باشی کلید خانه توی جیبیت به هیچ کارت نمی‌آید... تو در خانه یک جفت چشم و یک قلب کوچولوی قرمز چشم انتظار داری که با هر دینگ دینگ اف اف دلش پر می‌کشد و می‌آید برای باز کردن در.

پدر یک دختر بودن، بزرگ‌ترین تجربه ای است که یک مرد می‌تواند داشته باشد. یک امر ترسناک شیرین... این‌که یکی توی این دنیا تصورش این است بابا، پدر، اسم اعظم اوست و با خواندن و زمزمه کردنش هرگه‌ای با هر قدرت و سفتی و کور بودن به یک پلک‌به‌هم‌زدن باز می‌شود و تو در دلت هی به خودت می‌گویی نکند کاری کنی که بشکنی، نکند کاری کنی که سرت پایین بیفتد و بگویی شرمنده ندارم و نمی‌شود. روز دختر که می‌شود همه این فکر و خیال‌ها از ذهنت می‌گذرد. روی کاغذ که می‌آوری تشدید می‌شود. بعد بغض می‌کنی و سعی می‌کنی زودتر ستونت را تمام کنی بروی توی تراس کسی اشک‌هایت را نیندند. دختر بابا! روزت مبارک!

مفتاب مظفری سوادکوهی جام‌چم

باشیم، دردها و دغدغه‌و کمبودهایمان مشترک باشد و جام‌چم وقتی به خانه‌تان می‌رسد، حرف‌هایی از همه ایران و البته شهر محل زندگی‌تان هم برایتان داشته باشد. علاوه بر انتشار هرروزه صفحه ایران تصمیم گرفتیم هر هفته به یکی از استان‌ها هم سری بزنیم و کمبودهای فرهنگی و هنری‌تان را در اینجا بنویسیم. درواقع قصد داریم هر هفته سه‌شنبه‌ها سری به گوشه و کنار ایران بزنیم و اوضاع فرهنگی و هنری استان‌ها را بررسی کنیم؛ بررسی‌هایی که طبعاً می‌توانند نشان دهنده‌ر استان از نظر اماکن فرهنگی و امکانات برگزاری رویدادهای هنری و فرهنگی چه ظرفیتی دارد. این هفته می‌رویم به یکی از استان‌های محبوب ایرانی‌ها که در جوار دریای خزر قرار گرفته و در هر تعطیلی کوچکی هم خیل مسافر است که روانه‌اش می‌شود: مازندران. قول می‌دهیم زوده به استان محل زندگی شما هم سری بزنیم.

محرومیت فرهنگ در شهرهای پرگردشگر

سالن‌های فرهنگی و هنری نقش تعیین‌کننده‌ای در ایجاد فضا برای برگزاری فعالیت‌های هنری دارند، در استان مازندران هم طبعاً سالن‌ها می‌توانند به برگزاری این برنامه‌ها رونق بیشتری بدهد و حتی برای گردشگران بی‌شمار استان هم امکان حضور در چنین رویدادهایی را فراهم کند، هم ظرفیت فرهنگی استان را بالا ببرد هم به درآمدزایی بیشتر و بالاتر رفتن فرهنگ گردشگران بینجامد. حداقل این‌که امکان تفریح و سرگرمی سالم را پیش‌پاشان بگذارد. در این استان اما اوضاع مکان‌های فرهنگی مطلوب نبوده و به‌ازای هر ۶۴ نفر یک صندلی در سالن‌ها وجود دارد!

این وضعیت در شهرهای غربی مازندران بیشتر دیده می‌شود. رامسر، چالوس و تنکابن که همه‌ساله پذیرای مسافران و گردشگران بسیاری است، از داشتن حتی یک مجتمع فرهنگی و هنری محروم است!

به گفته سیدعلی علوی، معاون هنری اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی مازندران، هم‌اکنون ۱۸ مجتمع فرهنگی و هنری، ۳۴ سالن نمایش، ۱۲ سالن سینمای فعال و پنج سینمای سیار در استان وجود دارد که در مجموع ۴۹۷۰ صندلی را تشکیل می‌دهد.

فضاهای‌های فرهنگی استان
۱۸ مجتمع فرهنگی هنری
۳۴ سالن نمایش
۱۲ سالن سینمای فعال
۵ سینمای سیار
۴۹۷۰ صندلی
جمعیت استان ۳ میلیون و ۲۰۰ هزار نفر
به ازای هر نفر ۲ سانتی‌متر فضای فرهنگی
به ازای هر ۶۴۰ نفر یک صندلی

اوضاع مجموعه‌های فرهنگی هنری در استان مازندران

مطلوب نیست و کار را برای هنرمندان و مردم، دشوار کرده

هر ۶۴۰ نفر یک صندلی!

مساحت مجتمع‌های فرهنگی و هنری موجود نیز بالغ بر ۵۰هزار متر مربع است که با تکمیل فضاهای در حال احداث، ۱۸ هزار متر مربع دیگر به آن اضافه می‌شود. با احتساب جمعیت سه میلیون و ۲۰۰ هزار نفری مازندران، به‌ازای هر نفر، دو سانتیمتر فضای فرهنگی وجود دارد و به هر ۶۴۰ نفر یک صندلی می‌رسد! البته برای محاسبه دقیق سرانه فرهنگی استان، باید کتابخانه‌های عمومی موزه‌ها و فضاهای نمایشگاهی را هم در نظر گرفت. طبق استانداردهای جهانی، به‌ازای هر ده هزار نفر جمعیت حداقل یک سینما یا سالن نمایش باید وجود داشته باشد.

علاوه بر اینها پنج انجمن هنری در رشته‌های سینما، نمایش، موسیقی، شعر و ادب فارسی و هنرهای تجسمی در استان فعالیت می‌کنند که فقط در حوزه شعر و ادب ۳۰ انجمن به‌صورت متمرکز در نمایندگی‌ها کار می‌کنند، اما آن‌طور که هنرمندان استان می‌گویند اینها به‌هیچ‌وجه کافی نیست، آن‌هم برای استانی که دارای ۲۲ شهرستان و ۵۶ منطقه شهری است.

تلاش برای تغییر

اما آیا قرار است اوضاع بهتر شود یا همان یک صندلی می‌ماند ۶۴۰ شهروند که اگر بخواهند برای حضور در یک رویداد هنری تصاحبش کنند، باید با هم مسابقه بدهند؟ عباس زارع، مدیرکل فرهنگ و ارشاد اسلامی مازندران در رابطه به جام‌چم می‌گوید: قبول داریم که در برخی از شهرهای مازندران فضای فرهنگی بسیار ناکافی و محدود است؛ مثل چالوس، عباس‌آباد، کلاردشت، رامسر و قائمشهر، اما درصددیم در آینده‌ای نزدیک این شرایط را بهبود ببخشیم.

زارع با بیان این‌که امروز سینما از اقبال عمومی گسترده‌ای برخوردار نیست و راه‌اندازی سالن‌های سینما توجه اقتصادی ندارد، افزود: سالن‌های سینما امروز به سینمای دیجیتال تغییر چهره داده‌اند که اغلب توسط بخش خصوصی در دل پاساژها و مجتمع‌های تجاری گنجانده می‌شود.

او بوجه سال گذشته اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی مازندران را یک میلیارد و ۶۰۰ میلیون تومان دانست و اظهار کرد: بوجه امسال هنوز اعلام نشده ولی امیدواریم نسبت به سال گذشته از افزایش نسبتاً خوبی برخوردار باشد. هر چند با وجود کمتر شدن بوجه بخش فرهنگ و هنر نمی‌توان چندان امیدوار بود که این اتفاق رخ دهد، اما می‌توان به مسوولان یادآوری کرد این مردم هم حق داشتن امکانات فرهنگی کافی را دارند. آن‌هم در استانی که با ۹۷/۶۱ درصد جمعیت باسواد، بالاترین نرخ سواد در کشور را به خود اختصاص داده و همچنین رتبه دوم تعداد نخبان ملی کشور را دارد.

تعداد گروه‌ها
۳۰ گروه تئاتری
۱۴۰ گروه موسیقی
در مجموع ۱۷۰ گروه فعال فقط ۵۲ سالن

نبود سالن استاندارد اجرای موسیقی

استان مازندران بخش مهمی از نوازندگان موسیقی بومی ایران را در خود دارد، گروه‌ها و نوازنده‌هایی که در صورت وجود شرایط برای کار می‌توانند اجراهای خوبی را در استان‌هایشان روی صحنه ببرزند، اما نبود سالن استاندارد اجرای موسیقی در این استان کار را دشوار کرده است.

سید جلال محمدی، رئیس انجمن موسیقی مازندران و نوازنده با سابقه موسیقی فولکلور که بیش از ۳۰ سال سابقه نوازندگی و شرکت در کنسرت‌های داخلی و بین‌المللی را در کارنامه هنری خود دارد، به مشکلات بنیادی در فضای فرهنگی استان اشاره می‌کند و می‌گوید: در مازندران حتی یک سالن استاندارد برای برگزاری کنسرت وجود ندارد و آنها‌هی هم که هستند از ظرفیت و امکانات بسیار محدودی برخوردارند.

او یادآور می‌شود: نوازندگان موسیقی پاپ به دلیل مجهز بودن به سیستم آکوستیک، پلی‌بک و سیستم‌های صوتی قوی، نیاز کمتری به سالن‌های مجهز دارند، اما در موسیقی فولکلور شنیدن صدای سازهای بومی و محلی، نیازمند امکانات بیشتر و تجهیزات مدرن‌تر است. اغلب کسانی که به موسیقی فولکلور علاقه‌مندند روستایی هستند و پول اندکی برای لذت بردن از موسیقی مورد علاقه‌شان دارند. ما همیشه با مشکل فروش بلیت روبه‌رو بودیم که با آمدن کرونا وضع بدتر هم شد. در حال حاضر بیش از ۱۴۰ گروه موسیقی در مازندران شناسایی و ساماندهی شدند که با آمدن کرونا همه بیکار شدند. تمام آموزشگاه‌های موسیقی تعطیل و همه کنسرت‌ها لغو شد. گروه‌های موسیقی که به همان سالن‌های کوچک و غیراستاندارد قانع بودند، حالا هیچ امکانی برای برگزاری کنسرت ندارند. آن‌هم در حالی که با وجود پیگیری‌های اداره کل ارشاد و معاونت هنری این اداره، هنوز پروتکل‌های بهداشتی به آموزشگاه‌ها اعلام نشده و مدرسان رشته‌های مختلف موسیقی که از همین راه ارتزاق می‌کنند با مشکلات جدی معیشتی روبه‌رو هستند.

سالن برای تئاتر ندارند!

۳۰ گروه تئاتری در سراسر استان مازندران فعالند، از همان گروه‌هایی که باید گفت فقط به عشق تئاتر کار می‌کنند و ادامه می‌دهند، می‌دانید چرا؟ چون هیچ فضایی برای تمرین ندارند و نهاد‌های دولتی هم حاضر نیستند به آنها سالن بدهند. یاسر محمودی برتنی، رئیس انجمن‌های نمایشی مازندران و کارشناس تئاتر حوزه هنری استان که بیش از دو دهه در این عرصه فعالیت می‌کند و سرپرستی گروه تئاتر «تیرنگ» را هم بر عهده دارد در همین رابطه به جام‌چم گفت: تئاتر یک هنر جمعی است و تئاتر مازندران همواره به عنوان یکی از بهترین‌ها در سطوح مختلف ملی و بین‌المللی مطرح بوده است. هر سال حداقل دو گروه از تئاتر مازندران به جشنواره تئاتر فجر راه پیدا می‌کنند یا در عرصه‌های بین‌المللی شناخته می‌شوند.

او اظهار کرد: مشکل اصلی ما نداشتن سالن‌های نمایش استاندارد، مجهز به بلک باکس و نورپردازی و سایر امکانات سخت افزاری است. مجتمع‌های فرهنگی و هنری متعلق به اداره ارشاد از امکانات لازم برخوردار نیستند و سایر دستگاه‌های دولتی هم سالن‌هایشان را در اختیار گروه‌های تئاتری قرار نمی‌دهند. حتی به شرط دریافت بلیت رایگان! حالا با آمدن کرونا و تعطیلی سالن‌های نمایشی، اجراهای موسیقی و دیگر رویدادهای هنری، بسیاری از فعالان این عرصه‌ها دچار مشکل معیشتی بیشتری شده و در انتظار حمایت دولت هستند و انتظار می‌رود که دولت، بسته‌های حمایتی ویژه‌ای برای این گروه در نظر بگیرد.

کتاب (عطف)

بفرمایید «زندگی زیر پرچم داعش»

کتاب «زندگی زیر پرچم داعش» شاید متفاوت‌ترین کتابی باشد که تا به حال درباره بحران سوریه، داعش و «جنگ جهانی» موجود در این کشور نوشته شده است. کتابی که طعم تلخ زندگی در پایتخت داعش را به شما می‌چشاند. این کتاب، جدیدترین اثر وحید خضاب، تاریخ‌پژوه و مترجم تخصصی جریان‌های تکفیری و جریان مقاومت است، که پیش از این آثاری چون روزی روزگاری القاعده، من در رقه بودم، در راه پردردسر، از افغانستان تا لندنستان، کاملاً سری و فرمانده در سایه از او منتشر شده بود. زندگی زیر پرچم داعش از سه بخش تشکیل شده است. در بخش نخست، خاطرات یکی از مخالفان نظام سوریه به نام سامر آمده که در رقه زندگی می‌کرد. او هم خاطراتش را از مبارزه با نظام سوریه و برخی مفاسدی که در این کشور وجود داشت نقل کرده و هم خاطراتش را از جریان سقوط شهر محبوبش به‌دست داعش و فجایی‌که بر سر مردم این شهر آمد. در بخش دوم، خاطرات خبرنگار جنگی بی‌بی‌سی از روزهای درگیری کردها (با حمایت آمریکایی‌ها) با نیروهای خلافت و کشتاری که در این بین از مردم شهر صورت می‌گرفت نقل شده است. بخش سوم نیز دو مصاحبه با دو نیروی خارجی داعش است که زمانی در پایتخت دولت وحشت زندگی می‌کرده‌اند. /ایسنا



همه امکانات را بسپج کنیم تا بدون هیچ کم‌وکاستی رویدادها و برنامه‌ها و کلاس‌ها برگزار شود. او با اشاره به بخش‌های قراردادی جهادی سازمان فرهنگی هنری گفت: از مردم می‌خواهیم به‌صورت جهادی به فرهنگسرای جهادی کمک کنند تا بتوانیم از این راه هم به مردم کمک‌رسانی داشته‌باشیم.

امرودی عنوان کرد: ما سعی کردیم با راه‌اندازی شورای اندیشه‌ورز بتوانیم با فکر و اندیشه حوزه‌های خانواده، حقوق شهروندی، محیط زیست و... را جلو ببریم و ما نباید از اندیشه و فکر خالی باشیم. از همین رو فرق میان فرهنگسرا و سرای محله مشخص می‌شود؛ سراهای محله فضای عمومی ایجاد می‌کنند اما فرهنگسراها وارد فضای تخصصی می‌شوند. تا جایی که ستاد کرونا به ما اجازه دهد برگزاری برنامه‌ها را راه‌انداختیم؛ ازجمله ایجاد فضای گردشگری گشت‌آورد، کتابستان، کتابگرد ودهد و... ۵۹۰۰ دوره کلاس آموزشی در دوره کرونا برگزار شده است.

رئیس سازمان فرهنگی هنری شهرداری تهران از ساخت فیلم درباره سردار حاج قاسم سلیمانی خبر داد و گفت: با کارگردانی درباره ساخت فیلم صحبت شده است. نمی‌توانم نام کارگردان را مشخصا بگویم زیرا سوژه فیلم او خواهد رفت؛ اما باید بدانیم حاج قاسم سلیمانی دریایی است که می‌توان با مضامین مختلفی از او فیلم ساخت.